



Islamic Maaref University

Scientific Journal

# PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 18, Spring 2025, No. 67

## Elucidating Moral Conscience in the Views of Allameh Mesbah Yazdi


Mohammad Hossein Faezi<sup>1</sup> \ Hassan Mohiti Ardakan<sup>2</sup>

1. PhD Candidate, Islamic Ethics Education, University of Maaref Islami,  
Qom, Iran (Corresponding Author).

*mhfaezi110@gmail.com*

2. Assistant Professor, Department of Islamic Ethics, Islamic Maaref University, Qom, Iran.

*mohiti@maaref.ac.ir*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	Although the existence of moral conscience appears self evident to all, ambiguity regarding its nature constitutes a major obstacle to utilizing this remarkable capacity for moral growth. Therefore, analyzing the views of influential thinkers such as Allameh Mesbah Yazdi is essential. Employing a descriptive-analytical method, this study examines his works and analyzes his perspective on the nature of moral conscience. The findings indicate that, according to Allameh Mesbah, moral conscience is not an independent faculty but rather a philosophical concept emerging from the interaction of rational and emotional systems in the absence of obstacles. Moral conscience is a guidable capacity that requires rational and revelatory cultivation. Based on this analysis, both the complete denial of moral conscience and its equation with pure reason are inconsistent with Allameh Mesbah's view.
	
<b>Received:</b> 2024/05/27	
<b>Accepted:</b> 2024/11/17	
<b>Keywords</b>	Phenomenology; moral conscience; good and evil; practical reason; Mohammad Taghi Mesbah Yazdi.
<b>Cite this article:</b>	Faezi, Mohammad Hossein & Hassan Mohiti Ardakan (2025). Elucidating Moral Conscience in the Views of Allameh Mesbah Yazdi. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 18 (1). 127-144. DOI: 10.22034/18.67.127
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/18.67.127">https://doi.org/10.22034/18.67.127</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## تبيين الوجدان الأخلاقي في آراء العلامة مصباح يزدي

محمد حسين فايضي<sup>١</sup> / حسن محيطي أردكان<sup>٢</sup>

١. طالب دكتوراه، مدرس الأخلاق الإسلامية، جامعة معارف الإسلامية، قم، إيران (المؤلف المسؤول).

[mhfaezi110@gmail.com](mailto:mhfaezi110@gmail.com)

٢. أستاذ مساعد، قسم الأخلاق الإسلامية، جامعة معارف الإسلامية، قم، إيران.

[mohiti@maaref.ac.ir](mailto:mohiti@maaref.ac.ir)

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	على الرغم من بدهاء وجود الوجدان الأخلاقي لدى الجميع، فإن الغموض في حقيقته يُعدّ عائقاً رئيساً أمام توظيف هذه القابلية العظيمة في مسار النموّ الأخلاقي. ومن هنا تبرز ضرورة تحليل آراء المفكرين المؤثرين، ومنهم العلامة مصباح يزدي، في هذا المجال. يتناول هذا البحث، بالمنهج الوصفي - التحليلي، دراسة آثار العلامة مصباح وتحليل رؤيته حول ماهية الوجدان الأخلاقي. وتُظهر النتائج أنّ الوجدان الأخلاقي - من وجهة نظره - ليس قوةً مستقلة، بل مفهومًا فلسفيًا يتشكّل من تفاعل المنظومات العقلية والعاطفية في ظلّ غياب الموانع. فالوجدان الأخلاقي استعداد قابل للهداية، ويحتاج إلى تربية عقلية ووحائية. وبناءً على هذا التحليل، فإنّ إنكار الوجدان الأخلاقي كلياً أو مساواته بالعقل لا ينسجم مع رؤية العلامة مصباح.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/١١/١٨	
تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠٥/١٥	
الألفاظ المفتاحية	الظاهراتية، الوجدان الأخلاقي، الخير والشر، العقل العملي، محمد تقي مصباح يزدي.
الاقتباس:	فايضي، محمد حسين و حسن محيطي أردكان (١٤٤٦). تبيين الوجدان الأخلاقي في آراء العلامة مصباح يزدي. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٨ (١). ١٤٤ - ١٢٧. DOI: 10.22034/18.67.127
رمز DOI:	<a href="https://doi.org/10.22034/18.67.127">https://doi.org/10.22034/18.67.127</a>
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



# پژوهش‌نامه اخلاق

سال ۱۸، بهار ۱۴۰۴، شماره ۶۷

## تبیین وجدان اخلاقی در آرای علامه مصباح یزدی

محمدحسین فایزی<sup>۱</sup> / حسن محیطی اردکان<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری، مدرسی اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

[mhfaezi110@gmail.com](mailto:mhfaezi110@gmail.com)

۲. استادیار، گروه اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

[mohiti@maaref.ac.ir](mailto:mohiti@maaref.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۱۴۴ - ۱۲۷)	هرچند وجدان اخلاقی که وجود آن برای همه بديهی به نظر می‌رسد، اما ابهام در چیستی آن مانع عمده‌ای در استفاده از این ظرفیت شگرف، برای رشد اخلاقی به شمار می‌آید. از این رو، تحلیل دیدگاه اندیشمندان تأثیرگذاری چون علامه مصباح در این باره ضروری است. این پژوهش آثار ایشان را با روش توصیفی و تحلیلی بررسی کرده و دیدگاه وی درباره چیستی وجدان اخلاقی را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از نظر علامه مصباح، وجدان اخلاقی نه قوه‌ای مستقل، بلکه مفهومی فلسفی است که از تعامل نظام‌های عقلانی و عاطفی در بستر نبود موانع شکل می‌گیرد. وجدان اخلاقی استعدادی است هدایت‌پذیر و نیازمند پرورش عقلانی و وحیانی است. بر اساس این تحلیل، نسبت انکار کلی وجدان اخلاقی یا تساوی آن با عقل به دیدگاه علامه مصباح نادرست است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷	پدیدارشناسی، وجدان اخلاقی، خیر و شر، عقل عملی، محمدتقی مصباح یزدی.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷	فایزی، محمدحسین و حسن محیطی اردکان (۱۴۰۴). تبیین وجدان اخلاقی در آرای علامه مصباح یزدی. پژوهشنامه اخلاق. ۱۸ (۱). ۱۴۴ - ۱۲۷. DOI: 10.22034/18.67.127
واژگان کلیدی	کد DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/18.67.127">https://doi.org/10.22034/18.67.127</a>
استناد:	ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسئله

خلقت بی‌ظنیر انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، تنها شایسته تقدیر «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» از سوی خالق انسان است (مؤمنون / ۱۴). همین مطلب وظیفه انسان را در مورد شناخت آیات انفسی دوچندان می‌کند. یکی از این آیات و نشانه‌ها، «وجدان اخلاقی» است که وجود آن در انسان به روشنی از آیه «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس / ۸) قابل درک است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱ / ۲۸۲).

واژه «وجدان» از مصدر «وَجَدَ» به معنای یافتن یا دانستن اخذ شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۴۵؛ حسینی زبیدی، ۱۳۸۵: ۵ / ۲۹۶). وجدان، انسان را در تشخیص رفتارهای اختیاری و تمییز خوب از بد یاری می‌کند، از این رو برخی از آن به‌عنوان «وجدان اخلاقی» نیز تعبیر کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

هرچند این موهبت الهی ظرفیتی بی‌بدیل برای تسهیل مسیر تربیت اخلاقی و رشد فضیلت‌های انسانی محسوب می‌شود، اما بهره‌گیری عملی از آن با چالشی بنیادین مواجه است. مسئله اصلی نه در وجود این وجدان که در ابهام ذاتی درباره چیستی و هستی‌شناسی آن نهفته است.

تجربه درونی انسان‌ها نیز، شاهدهی انکارناپذیر بر وجود این پدیده است، اما همین تجربه‌های شخصی و متکثر نه تنها نتوانسته‌اند تصویر روشنی از حقیقت وجدان ارائه دهند، بلکه گاه با تکیه بر تفاسیر سطحی و ناقص، خود به مانعی برای شناخت عمیق‌تر چیستی آن تبدیل شده‌اند.

اختلاف نظرات اندیشمندان در تبیین چیستی وجدان اخلاقی شاهد بر این مدعا است:

از منظر کانت،<sup>۱</sup> وجدان اخلاقی تجلی عقل عملی است که همچون دادگاهی الهی، پس از هر عمل ناشایست انسان را مورد بازخواست قرار می‌دهد (کانت، ۱۳۹۳: ۵۷). این نگاه دووجهی، هم بعد شناختی و هم جنبه عاطفی را در بر می‌گیرد. در مقابل، روسو،<sup>۲</sup> وجدان را فراتر از عقل می‌داند و معتقد است «احساس درونی بهترین داور اخلاقی است» (روسو، ۱۳۴۹: ۳۶۸)، هرچند همچون کانت بر فطری بودن آن تأکید می‌ورزد.

در مکتب شهودگرایی، وجدان به‌مثابه نیرویی ذاتی توصیف می‌شود که بدون نیاز به تجربه، خیر و شر را درمی‌یابد، هرچند ممکن است تحت تأثیر عوامل فرهنگی دچار تحول یا انحراف گردد (الوطیل، ۱۹۶۷: ۳۵۶؛ یالجن، ۱۳۹۷: ۳۱۱). طبیعت‌گرایان اما این قوه را کاملاً اکتسابی و محصول تجربیات زندگی می‌دانند (الوطیل، ۱۹۶۷: ۳۵۷).

در میان متفکران اسلامی، علامه جعفری وجدان اخلاقی را محرکی فطری و مستقل از عقل عملی

1. Immanuel Kant.

2. Jean - Jacques Rousseau.

معرفی می‌کند که مسئول ایجاد احساس رضایت یا عذاب درونی است (جعفری، ۱۳۸۲: ۲۰ / ۲۰؛ منتظر و محمدی منفرد، ۱۳۹۵). این نگاه با دیدگاه علامه طهرانی که وجدان را قوه‌ای ادراکی ولی نیازمند هدایت عقل می‌داند (طهرانی، ۱۴۱۷ ق: ۱۱۲) و نیز با تحلیل علامه جوادی آملی که آن را معادل عقل عملی محض (بدون بار شناختی) می‌شناسد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۳)، تفاوت‌های بنیادینی دارد.

بنابراین پرسش از چگونگی بهره‌وری بهینه از وجدان اخلاقی، خود متوقف بر پاسخ به این پرسش بنیادین است که اساساً تحلیل صحیح از هستی‌شناسی وجدان اخلاقی چیست؟

با توجه به اهمیت دستیابی به تفسیرهای عمیق هستی‌شناختی درباره پدیده وجدان، تمرکز بر آرای اندیشمندان برجسته در این حوزه ضرورتی انکارناپذیر می‌یابد. در این میان، علامه مصباح یزدی به‌عنوان چهره‌ای شاخص در فلسفه اسلامی با تأکید ویژه بر مباحث انسان‌شناختی و اخلاقی، چهارچوب مفهومی پربراری را در واکاوی فلسفی سرشت وجدان بنیان نهاده‌اند.

تحلیل دقیق و مستند آرای ایشان نه تنها امکان ترسیم تصویری روشن از مفهوم وجدان اخلاقی فراهم می‌آورد، بلکه سنگ بنایی برای طراحی الگوهای تربیت اخلاقی مبتنی بر این شناخت خواهد بود. از سوی دیگر، واکاوی انتقادی دیدگاه‌های رقیب در تفسیر نظریه ایشان، افق‌های جدیدی برای فهم جامع‌تر پیچیدگی‌های هستی‌شناختی وجدان اخلاقی می‌گشاید.

آثاری در زمینه پدیدارشناختی وجدان اخلاقی نگاشته شده است که درخور توجه‌اند. کتاب **وجدان** اثر علامه جعفری، به تحلیل جامعی از حقیقت وجدان پرداخته است و برخی نظرات در مورد چیستی وجدان اخلاقی را آورده است. عدم دسته‌بندی مناسب و پیچیدگی مطالب، حسن استفاده از این کتاب را کاهش داده است.

مقاله «وجدان اخلاقی» اثر حسین حقانی زنجانی، به جنبه‌های مختلف حقیقت وجدان اخلاقی پرداخته است. نقطه قوت این مقاله ارائه اطلاعاتی جامع درباره وجدان اخلاقی است؛ اما نقطه ضعف آن وارد نشدن مطالب به سطح تحلیل و ژرف‌نگری است که البته این موضوع مزیت استفاده عموم مخاطبان را به همراه داشته است.

ویژگی مقاله حاضر در پاسخ به سؤالات اساسی در مورد وجدان اخلاقی با توجه به دیدگاه علامه مصباح یزدی است، مانند اینکه با چه تبیین و تحلیلی انسان دارای وجدان اخلاقی است؟ ارکان مفهومی وجدان اخلاقی چیست؟ آیا وجدان تغییرپذیر است و در صورت پاسخ مثبت تغییرپذیری وجدان اخلاقی وابسته به چه عناصری است؟

گستره وسیع نظریه پردازی علامه مصباح یزدی در مباحث اخلاقی و فلسفه اخلاق و لزوم استفاده از

آن در حل گره‌های اخلاقی همچون ابهام در حقیقت وجدان از سویی و وجود تفاسیر نادرست از نظریه ایشان درباره وجدان اخلاقی از سویی دیگر، موجب اهمیت تحلیل نظر ایشان درباره چیستی وجدان اخلاقی شده است.

### مفهوم‌شناسی وجدان اخلاقی از دیدگاه علامه مصباح یزدی

علامه مصباح یزدی نیز در یکی از آثار خود، وجدان اخلاقی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مراد از وجدان اخلاقی استعداد آدمی است نسبت به تمییز خیر و شر و گرایش طبیعی او به سوی خیر و گریز او از شر» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۰۴).

مراد از استعداد، توانایی انسان و فراهم بودن شرایط وجودی و عدمی است؛ شرایط وجودی یعنی همه شرایط لازم برای شناخت خیر و شر فراهم باشد و شرایط عدمی یعنی موانع شناخت خیر و شر وجود نداشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲ / ۲۵۲).

از نظر علامه مصباح استعداد چیزی به جز تحقق شرایط و برطرف شدن موانع نیست؛ به عبارت دیگر استعداد حاکی از یک امر عینی نیست؛ بلکه مفهومی عقلی است و از تحقق شرایط و ارتفاع موانع انتزاع می‌شود (همان: ۲۴۹).

دو مفهوم «خیر» و «شر» از دیدگاه علامه مصباح یزدی، مفهوم عام اخلاقی به شمار می‌آیند که کاربرد غیراخلاقی نیز دارند (برای نمونه، ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۱۱)؛ اما مراد از خیر و شر در کاربرد اخلاقی آن، همان خوب و بد اخلاقی است؛ در این صورت خیر به افعال اختیاری اطلاق می‌شود که تأثیر مثبت در کمال نهایی انسان داشته باشد و شر، فعلی اختیاری است که در کمال نهایی نقش منفی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱ / ۶۱).

خیر و شر اخلاقی به اعتباری دیگر به دو قسم حقیقی و پنداری تقسیم می‌شوند. به‌عنوان مثال اگر فعل اختیاری موجب تأثیر مثبت در رسیدن به کمال نهایی فاعل باشد، خیر حقیقی نامیده می‌شود و اگر تأثیر منفی در کمال نهایی انسان داشته باشد، اما به خاطر ملائمت با یکی از نیروهای فاعل خیر شمرده شود، به آن خیر پنداری گفته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲ / ۱۳۱).

بر این اساس و با توجه به صرف استعداد بودن وجدان اخلاقی برای شناخت و گرایش نسبت به خیر و شر، می‌توان نتیجه گرفت که وجدان اخلاقی ممکن است گاهی در مسیر حقیقی کمال انسان قرار نگیرد؛ این زمانی است که شناخت‌های انسان و به تبع آن گرایش‌های انسان، مطابق با خیر و کمال حقیقی خود نباشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۳۵).

با توجه به آنچه گفته شد مفهوم وجدان اخلاقی یک مفهوم فلسفی است؛ مانند دیگر مفاهیم اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۱۹۵). مفاهیم فلسفی مفاهیمی هستند که دارای مابازاء مستقل نیستند، بلکه از مقایسه میان اشیاء به دست می‌آیند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۱۹۲).

برای مفهوم وجدان اخلاقی نیز، مابازاء عینی وجود ندارد؛ بلکه از مقایسه عقل نسبت به فراهم بودن یا نبودن شرایط وجودی و عدمی ادراک و گرایش به خیر و شر انتزاع می‌شود.

با توجه به تقسیم خیر و شر به خیر و شر حقیقی و پنداری در اندیشه علامه مصباح یزدی، وجدان اخلاقی در دو اصطلاح عام و خاص قابل تحلیل است. اصطلاح عام به شرایطی اشاره دارد که وجدان دچار انحراف شده و ادراکات پنداری (غیرحقیقی) از خیر و شر در فرد شکل می‌گیرد.

در این حالت، تمایلات به سوی خیرهای غیرحقیقی سوق یافته و عدم عمل به آنها موجب عذاب وجدان می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۳۵). در مقابل، اصطلاح خاص وجدان اخلاقی زمانی مصداق می‌یابد که فرد با وجود تشخیص صحیح ارزش‌ها، عامدانه در برابر ندای وجدان مقاومت کرده و مسیر انحراف را برمی‌گزیند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۹۷).

در این پژوهش، مفهوم خاص وجدان اخلاقی را ملاک قرار می‌دهیم که بر اساس آن، شرایط وجودی و عدمی نسبت به ادراک و گرایش به خیر و شر حقیقی، معیار سنجش قرار می‌گیرد.

### هستی‌شناسی وجدان اخلاقی از دیدگاه علامه مصباح یزدی

در بررسی هستی‌شناسی وجدان اخلاقی، پرسش اصلی این است که آیا وجدان اخلاقی به‌عنوان قوه‌ای مستقل در انسان وجود دارد یا خیر.

بر اساس دیدگاه علامه مصباح یزدی، انسان دارای وجدان اخلاقی به‌عنوان یک قوه مستقل نیست؛ بلکه وجدان اخلاقی انسان، مفهومی فلسفی است که از همکاری قوای نفس شکل می‌گیرد: نخست «قوه عقل» که مسئول شناخت مفاهیم اخلاقی مانند عدالت و ظلم است، و دوم «قوه احساسات و انفعالات نفسانی» که تمایل فطری به کمال و خیر و انزجار از نقص و شر دارد. این دو عنصر در کنار یکدیگر، ظرفیتی کلی پدید می‌آورند که ما آن را وجدان اخلاقی می‌نامیم.

به عبارت دیگر، وجدان اخلاقی استعدادی است که در پرتو شرایط وجودی (مانند توانایی عقلانی و عواطف نفسانی) و عدمی (نبود موانع) به تشخیص خیر و شر و گرایش به آنها می‌پردازد. بنابراین، این مفهوم نه یک قوه مستقل، بلکه حاصل تعامل طبیعی عقل و عواطف انسانی است.

بنابراین اگر شرایط وجودی ادراک خیر و شر حقیقی برای انسان فراهم باشد و موانع آن وجود نداشته باشد، انسان واجد وجدان اخلاقی خواهد بود.

چنان‌که همین‌گونه است و انسان به این معنا دارای وجدان اخلاقی است؛ زیرا همان‌طور که در ادامه مباحث آمده است انسان از سویی با برخورداری از عقل، هم‌توان شناخت خیر و شر را دارد و هم به صورت فطری تمایل به کمال و نسبت به نقص، تنفر نشان می‌دهد.

و از سویی دیگر با توجه به ادله ضرورت نبوت و ارسال وحی از سوی خداوند، زمینه برای کمک به انسان در شناخت خیر و شر حقیقی فراهم شده است و به خودی خود مانعی وجود ندارد، مگر اینکه انسان با سوء اختیار خود، مسیر کمال‌های دروغین و خیره‌های پنداری را برگزیند و از مسیر کمال حقیقی دور شود؛ چراکه در صورت انحراف، انسان قدرت تشخیص خود را از دست می‌دهد، چنان‌که قرآن کریم نیز به این نکته اشاره دارد (روم / ۱۰، مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲۹۶).

### ۱. وجدان اخلاقی و عقل

وجدان اخلاقی استعداد انسان برای شناخت خیر و شر اخلاقی است که تحقق آن نیازمند دو دسته شرایط است: وجودی و عدمی. شرط وجودی بنیادین، وجود قوه عقل در انسان است که مسئولیت اصلی شناخت حقایق، از جمله مفاهیم اخلاقی را برعهده دارد.

شرایط عدمی نیز شامل موانعی است که ممکن است راه شناخت را مسدود کنند؛ از جمله حس‌گرایی، تقلید کورکورانه و ... که عملکرد صحیح عقل را مختل می‌سازند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۱۴۰).

بر پایه تحلیل علامه مصباح یزدی، وجدان اخلاقی نه حاکی از یک قوه مستقل، بلکه از فعالیت عقل انسان انتزاع می‌شود. ایشان تصریح می‌کنند: «قوه‌ای که درون انسان ارزش‌های اخلاقی را درک می‌کند، چیزی غیر از عقل نیست، زیرا دستگاه ادراکی انسان همان عقل اوست» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۳۵).

این دیدگاه، احکام وجدان را در حوزه شناخت اخلاقی، همان احکام عقل می‌داند و البته هرگونه دوگانگی میان «عقل نظری» و «عقل عملی» را نیز رد می‌کند. ایشان در نقد این تفکیک می‌نویسند: «وجود احکام عملی و ارزشی به این معنا نیست که انسان دو دستگاه ادراکی عقلی دارد ... چنین دوگانگی عقلانی از نظر ما ثابت نیست» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۳ / ۱۲۷).

نکته کلیدی در این تحلیل، وحدت عقل در ادراک «هست‌ها» و «بایدها» است. علامه مصباح یزدی تأکید می‌کند: «آنچه از احکام وجدان پنداشته می‌شود، در واقع چیزی جز ادراکات احکام عملی عقل نیست که آن نیز مستقل از ادراکات و احکام نظری عقل نتواند بود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۰۸)؛ چراکه عقل انسان یکی است و همه ادراکاتش به ادراکات نظری برمی‌گردد و قابل استدلال و برهان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۳ / ۱۲۷).

این رویکرد، ریشه در واقع‌گرایی اخلاقی دارد که ارزش‌ها را اموری انتزاعی ندانسته، بلکه پیوندی

ضروری با حقایق عینی می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴:۱۲۰).

ایشان در نقد دیدگاه‌های غربی همچون نظریه «وجدان اخلاقی» روسو یا «عقل عملی» کانت، معتقد است این رویکردها به دوگانگی کاذب میان واقعیات و ارزش‌ها دامن می‌زنند: «گویی انسان دو حوزه در پیش‌رو دارد؛ یکی مربوط به امور واقعی و دیگری مربوط به ارزش‌ها! این نگرش، وجود انسان را به دو جزء مجزا تقسیم می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳:۱۱۴). در مقابل، دیدگاه مصباح یزدی بر یکپارچگی فرایندهای شناختی تأکید دارد که همگی از عقل واحد سرچشمه می‌گیرند.

## ۲. وجدان اخلاقی و احساسات و انفعالات نفسانی

وجدان اخلاقی افزون بر استعداد شناخت خیر و شر، شامل استعداد گرایش طبیعی انسان به سوی خیر و گریز از شر نیز می‌شود. این بُعد دوم، وجدان را از حوزه صرف شناخت فراتر برده و آن را به عرصه انگیزش‌ها و احساسات اخلاقی پیوند می‌زند.

بر پایه تعریف علامه مصباح یزدی، وجدان اخلاقی استعدادی است که انسان را به سوی خیر سوق داده و از شر دور می‌دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸:۲۰۸).

به خاطر همین گرایش به سوی خوبی‌ها و گریز از بدی‌هاست که انسان هرگاه کار خوبی انجام می‌دهد احساس رضایت و آرامش می‌کند و زمانی که فعل بدی از او سر می‌زند، احساس رنج و ناراحتی به او دست می‌دهد:

آنچه را ما به‌عنوان وجدان می‌نامیم شامل دو بخش است: بخشی از آن مربوط به احکام و قضاوت‌ها است و بخش دیگر مربوط به حالات و احساسات است؛ مثل حالت شرمندگی که پس از انجام کار اشتباه در انسان پدید می‌آید و یا احساس ندامت که هنگام از دست دادن شیء نفیس به انسان دست می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱:۲۵۰).

شرط وجودی این استعداد، وجود میل فطری به خیر و دوری از شر است. با توجه به تحلیلی که از مفهوم خیر و شر ارائه شد، گرایش به خیر و گریز از شر از فروعات میل انسان به کمال‌خواهی و سعادت‌طلبی است که از انگیزه‌های اصلی نفس به شمار می‌آیند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۴۵)؛ چراکه خیر همان چیزی است که تأثیر مثبت در کمال‌نهایی انسان دارد و شر نیز به چیزی اطلاق می‌شود که تأثیر منفی در کمال انسان دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱ / ۶۱).

در مرتبه سطحی‌تر امیال نفسانی، می‌توان به انفعالاتی اشاره کرد که جزء شاخ و برگ‌های انگیزه‌های اصلی نفس به حساب می‌آیند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۵۸). آدمی وقتی به خیر و مطلوب

خود می‌رسد، احساس شادی به او دست می‌دهد و اگر به مطلوب خود نرسد، حالت انفعالی در سطح نفس او پدید می‌آید که به آن حزن و اندوه می‌گویند (همان).

بنابراین وجدان اخلاقی به‌عنوان استعداد گرایش انسان به خیر و شر در مرتبه‌ای به صورت تحریکی و ارادی است؛ چراکه منشأ اراده در انسان میل او به کمال است (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۳) و در مرتبه سطحی‌تر مربوط به انفعالات نفسانی است که در اثر وجود خیر یا شر به وجود می‌آید و از آن تعبیر به رضایت یا عذاب وجدان می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱ / ۷۵).

از دیدگاه علامه مصباح یزدی، منشأ احساسات و انفعالات وجدان اخلاقی همان نفس است که دارای غرائز، عواطف، احساسات و انفعالات است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۵۸). یکی از ابعاد نفس انسان، بعد گرایشی و حب ذات اوست که این بُعد خود دارای کانال‌های اصلی و نیز شاخ و برگ‌هایی فرعی است. حب کمال و سعادت‌خواهی از انگیزه‌های اصلی این بعد به شمار می‌روند (همان: ۴۱). همچنین احساسات و انفعالات به صورت کلی از فروعات انگیزه‌های اصلی نفس هستند (همان: ۵۸).

بنابراین وجدان اخلاقی به‌عنوان قوه‌ای مستقل منشأ احساسات و انفعالات اخلاقی نیست، بلکه گرایش‌ها و احساسات و انفعالات اخلاقی مانند دیگر امیال، به بعد گرایشی نفس مربوط می‌شوند:

حالاتی مانند شرمندگی حاصل پس از ارتکاب گناه و یا پشیمانی و حسرت احساس خاصی است که از فقدان کسی یا چیزی حاصل می‌شود و در بعضی از موارد از آن به عذاب وجدان تعبیر می‌شود، این‌گونه احساس‌ها به‌طور فطری در انسان به وجود می‌آید؛ اما معنای این سخن این نیست که قوه سومی در ما به نام وجدان وجود داشته باشد که هم حکم و هم مؤاخذه می‌کند. از نظر فلسفی وجود چنین قوه‌ای ثابت نشده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۲۵۰).

شرط عدمی استعداد گرایش به خیر حقیقی و دوری از شر حقیقی، نبود موانعی همچون غلبه یافتن هوای نفس بر خواست‌های انسان است که انسان در صورت شناخت و نیز رفتار اشتباه خود این مانع را به وجود می‌آورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

باتوجه به آنچه گفته شد خداوند انسان را دارای وجدان اخلاقی به معنای استعداد میل به خیر و دوری از شر آفریده است و با دعوت انبیا و انگیزه‌بخشی‌های مادی و معنوی زمینه گرایش به سمت خیر حقیقی و دوری از شر حقیقی را برای او فراهم کرده است و این خود انسان‌ها هستند که با غفلت و سوءاختیار ممکن است سبب خاموش شدن گرایش‌های مثبت خود شوند.

در تحلیل هستی‌شناختی وجدان اخلاقی، بررسی رابطه شناخت اخلاقی با احساسات و انفعالات نفسانی

دربارهٔ خیر و شر از اهمیت بنیادین برخوردار است، چراکه این تعاملات، کلید درک ماهیت استعدادهای شناختی و گرایشی انسان در حوزهٔ اخلاق محسوب می‌شوند. در ادامه این روابط بررسی می‌شود.

### ۳. رابطه شناخت و احساسات اخلاقی

در تحلیل رابطه میان شناخت اخلاقی و احساسات اخلاقی از دیدگاه علامه مصباح یزدی، مفهوم وجدان اخلاقی به‌عنوان برساختهٔ ذهنی ناشی از تعامل این دو عنصر تعریف می‌شود.

ادراکات و امیال در حاق نفس به وحدت می‌رسند، اما در مظاهر و تجلیات نفس کاملاً از یکدیگر متمایز هستند و کثرت پیدا می‌کنند. ادراک و شناخت غیر از امیال، احساسات و انفعالات نفسانی است. یکی از سنخ آگاهی و بینش و دیگری از سنخ میل و گرایش است. «یکی فقط روشنگری می‌کند و اثرش کشف واقعیت‌هاست، و دیگری تحریک‌کننده است و انسان را به سوی اجرای کار برمی‌انگیزد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۱۰۰).

گرچه شناخت‌های اخلاقی (توانایی تشخیص خیر و شر) و گرایش‌های اخلاقی (میل فطری به خیر و گریز از شر) به صورت مستقل عمل می‌کنند، اما در عمل اخلاقی به هم می‌پیوندند.

چراکه امیال و گرایش‌های اخلاقی همچون جاذبه مغناطیس نیستند که بدون درک و شعور تحقق یابند، بنابراین جدا کردن امیال از ادراکات به معنای شعوری نبودن امیال نیست؛ بلکه به معنای این است که میان ادراک محض و گرایش محض از جهت وجود کشش در دستگاه دوم، تفاوت وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

برای نمونه، هنگامی که عقل دروغ‌گویی را «شر» می‌شناسد، نفس (در صورت نبود مانع) به صورت خودکار از آن دوری می‌کند و در صورت تخلف، احساس گناه ظهور می‌یابد. این احساس نه ناشی از وجدان اخلاقی به‌عنوان قوه‌ای مستقل، بلکه محصول «شاخه‌های فرعی میل به کمال در نفس» است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۵۸).

بنابراین ارتباط تنگاتنگی به صورت دو طرفه میان ادراکات اخلاقی و گرایش‌های اخلاقی برقرار است. از سویی ادراکات اخلاقی زمینه‌انگیزش‌های اخلاقی را فراهم می‌کنند؛ زیرا انگیزش هر میل، مسبوق به احساس و ادراک خاصی است که با آن، سنخیت و هماهنگی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

این یعنی گرایش به سوی خیر و خوبی‌ها و احساس نفرت از شر و بدی‌ها زمانی درون نفس فعال می‌شود که یک ادراک اخلاقی و حس اخلاقی<sup>۱</sup> پیش از آن اتفاق افتاده باشد.

۱. چنانچه از تعبیرات علامه مصباح یزدی برمی‌آید، مراد از حس اخلاقی همان تمییز خیر از شر است که مربوط به دستگاه ادراکی است نه گرایش‌ها و احساسات (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

به همین دلیل است که یکی از راه‌های فعال کردن انگیزش‌های خیر درون انسان، به کار بردن ابزارهای ادراکی در معارف خیر است:

یکی از بهترین وسایل انگیزش اراده خیر، دیدن اشخاص صالح و شنیدن داستان‌های ایشان و قرائت قرآن و مطالعه کتاب‌های مفید و زیارت معابد و مشاهد و امکانه‌ای است که انسان را به یاد خدا و به یاد بندگان برگزیده خدا و هدف‌های مقدس و راه‌هایی که پیموده‌اند، می‌اندازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

در کنار به کار بردن ابزار حواس در خصوص ادراکات اخلاقی، تعقل و تفکر که به صورت مستقیم مربوط به شناخت عقلانی می‌شود، تأثیر زیادی در فعال کردن انگیزه انجام کارهای خیر دارد. به‌عنوان مثال اگر انسان به این فکر کند که زندگی دنیا مقدمه زندگی آخرت است و سعادت ابدی تنها به وسیله تلاش در دنیای محدود به دست آید، در این صورت به زندگی دنیا علاقه‌مند خواهد شد، از این جهت که اعمال صالح و کارهای شایسته بیشتری انجام دهد و در نتیجه به مقامات بالاتری در آخرت نایل گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۵۲).

با توجه به آنچه در این بخش گفته شد می‌توان نتیجه گرفت گرچه گرایش به سمت خیر و دوری از شر، درون انسان وجود دارد، اما اینکه خیر و شر دقیقاً چیست وابسته به شناخت‌های انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۳۵).

بنابراین اگر شناخت‌های او از خیر و شر صحیح باشد و به عبارت دیگر خیر و شر حقیقی را بشناسد، گرایش و احساس مثبت و منفی او نیز نسبت به خیر و شر در مدار صحیحی قرار می‌گیرد؛ در غیر این صورت، گرایش به سمت خیر و گریز از شر بر اساس خیر و شر حقیقی و متناسب با کمال انسان نیست. مانند کسی که فکر می‌کند پرستش گاو کار خوبی است و در نتیجه به این کار علاقه پیدا می‌کند، در حالی که حقیقت چیز دیگری است.

از سویی دیگر امیال و انگیزه‌های اخلاقی، بر به وجود آمدن ادراکات اخلاقی تأثیر می‌گذارند؛ چراکه ادراک در حقیقت کار نفس است و با توجه وی، درک و فهم، حاصل می‌شود و با عدم توجه، منتفی می‌گردد. وجود و عدم توجه در بسیاری از اوقات بستگی به امیال انسان دارد؛ یعنی شخص در موردی که میل به یک درک خاصی داشته باشد، توجه نفس به آن معطوف شده و با وجود شرایط لازم ادراک حاصل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

بنابراین، گرایش و میل به سمت خیر اخلاقی مانند محبت خدا، هر چند خود به وسیله معرفت به نعمات و جمال خداوند فعال شده باشد، اما در یک رابطه دوطرفه سبب توجه نفس برای کسب معرفت

بیشتر در مورد خداوند متعال می‌شود. در تعبیرات علامه مصباح یزدی از این رابطه به‌عنوان رابطه زیگزاگی نام برده شده است؛ به این معنا که هر کدام از شناخت و میل سبب تقویت یکدیگر در مراتب مختلف می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲).

#### ۴. رابطه شناخت و انفعالات اخلاقی

با توجه به اینکه پیش‌تر گفته شد، امیال مربوط به استعداد وجدان اخلاقی یا فعال و تحریک‌کننده است و یا منفعل و تحریک‌شونده، ضروری است رابطه شناخت اخلاقی با انفعالات نفسانی نیز مطرح شود. علامه مصباح یزدی در کتاب **نقد و بررسی مکاتب اخلاقی** رابطه شناخت و حالت انفعالی نفس را مبتنی بر تحلیل روان‌شناختی خاصی می‌کنند:

حقیقت مطلب این است که انسان یک ملکاتی دارد که در اثر کمک علم و عمل برای او حاصل می‌شوند. ارزش‌هایی را که شناخته است و در عمل نیز آنها را به کار گرفته است، آرام‌آرام برای او ملکه شده‌اند؛ بنابراین اگر انسان کاری را بر خلاف آنها انجام دهد، انسان ناراحت می‌شود؛ یعنی ملکاتی که، بر اساس شناخت ارزش‌ها، برای انسان حاصل شده‌اند اقتضا دارند که آنچه با آنها مخالف باشد، طرد نمایند. علت ندامت پس از انجام کار بد این است که وقتی انسان می‌فهمد که کمالی را از دست داده و نقصی در انسانیتش پدید آمده است، این حالت ندامت برای او حاصل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۳۵).

بر اساس این عبارت، از دیدگاه علامه مصباح عذاب وجدان زمانی پدید می‌آید که مخالفت با ملکات نفسانی صورت بگیرد و این یعنی صرف مخالفت با شناخت و اعتقاد به ارزش‌ها بدون وجود ملکه‌ای متناسب با آنها در درون نفس، موجب عذاب وجدان نمی‌شود! اما با توجه به این جمله «وقتی انسان می‌فهمد که کمالی را از دست داده و نقصی در انسانیتش پدید آمده است، این حالت ندامت برای او حاصل می‌شود» و دیگر عبارات ایشان در آثار دیگر (برای نمونه، ر. ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۱ / ۲۵۶) می‌توان نتیجه گرفت که علت اصلی برای عذاب وجدان این است که انسان در پی ارتکاب فعل بد، آنچه کمال می‌داند را ازدست‌رفته ببیند؛ حال چه متناسب با آن فعل ارزشمند، ملکه نفسانی در او ایجاد شده باشد یا نه. البته اگر ملکه راسخ نفسانی هم در راستای شناخت یک ارزش و تکرار عمل به آن به وجود آمده باشد، مخالفت با آن سبب تشدید عذاب وجدان می‌گردد. نکته دیگر توجه به نوع شناخت‌هاست. همان‌طور که در بخش رابطه شناخت و احساسات اخلاقی گفته شد، به وجود آمدن حالت انفعالی نفس به صورت رضایت وجدان یا عذاب وجدان کاملاً وابسته به

این است که شخص به چه ارزش‌هایی شناخت پیدا کرده باشد و آنها را پذیرفته باشد:

اگر [انسان] ارزش‌های دیگری [غیر از ارزش‌های صحیح] را برای خود تعریف کرده باشد، یعنی بنیان معرفتی و شناختی او از ابتدا خطا باشد و در محیطی رشد کرده باشد که ارزش‌های انحرافی را به او تعلیم داده باشند، در آن صورت هرگز وجدانش از برخی اموری که ما آنها را گناهان بزرگی می‌دانیم آزرده نخواهد شد (همان).

از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس دیدگاه علامه مصباح یزدی، خود رضایت وجدان یا عذاب وجدان حاکی از درستی یا نادرستی ارزش‌های اخلاقی پذیرفته‌شده نیستند. عذاب وجدان حالتی انفعالی در نفس است که وابسته به شناخت‌ها و ملکات نفسانی انسان است.

عذاب وجدان اقتضائی نسبت به خیر و شر حقیقی ندارد و گویا منتظر است شناخت‌ها اعمالی را به‌عنوان خیر و شر به او معرفی کنند تا در این صورت اگر شخص بر اساس آنها عمل کرد، راضی شود و اگر انسان بر خلاف آنها عملی انجام داد، حالت غم و ناراحتی پیدا کند و با این ناراحتی، روح و روان انسان را عذاب دهد.

در ادامه این نکته را نیز می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس دیدگاه علامه مصباح یزدی، وجدان اخلاقی انسان صرف نظر از اینکه از اساس فطری هست یا نه، امری تغییرپذیر و قابل تربیت است. انسانی که در محیطی رشد و تربیت یافته که ارزش‌های اخلاقی صحیح را در او نهادینه کرده‌اند، وجدان اخلاقی او نیز در مدار صحیح فعالیت می‌کند و انسانی که در محیط فساد تربیت شده، وجدان اخلاقی او نیز متناسب با ارزش‌های اخلاقی انحرافی، فعالیت می‌کند.

#### نقد تفسیر نادرست از دیدگاه علامه مصباح یزدی

دو تفسیر نادرست از دیدگاه علامه مصباح یزدی صورت گرفته است که با توجه به نکات سابق به پاسخ آنها اشاره می‌شود.

۱. علامه مصباح یزدی از اساس وجدان اخلاقی را نمی‌پذیرد.

۲. علامه مصباح یزدی، وجدان اخلاقی را تنها همان عقل می‌داند.

تفسیر اول بر گرفته از سؤالی است که از ایشان در مورد وجدان اخلاقی پرسیده شده است. متن سؤال این است:

آیا وجدان وجود دارد؟ شما در آثارتان وجدان را در انسان نمی‌پذیرید. آیا به‌طور کلی وجدان از نظر شما مردود است؟ (پایگاه اینترنتی آثار علامه مصباح یزدی، بی‌تا)

بر اساس آنچه گذشت، این تفسیر از دیدگاه علامه مصباح یزدی مبهم و در نتیجه تفسیر ناقصی است. مبهم است، دلیل ابهام این مسئله آن است که مراد از نپذیرفتن و مردود دانستن وجدان اخلاقی روشن نیست. اگر مراد از نپذیرفتن وجدان اخلاقی این باشد که ایشان قوه سومی غیر از عقل و احساسات را به عنوان وجدان اخلاقی نمی‌پذیرند، این مطلب صحیح است.

اما اگر مراد این باشد که از نظر علامه مصباح یزدی این مفهوم از اساس اشتباه و بی‌معنی است، این مطلب کاملاً با نظر ایشان مغایرت دارد؛ چراکه ایشان وجدان اخلاقی را به نحو مفهوم فلسفی حاکی از استعداد انسان نسبت به شناخت اخلاقی و گرایش اخلاقی می‌دانند و وجود این استعداد را در انسان می‌پذیرند. از منظر ایشان، وجدان اخلاقی به مثابه مفهومی فلسفی تلقی می‌شود که مصداق خارجی مستقل و جداگانه‌ای ندارد. با این حال، این نگاه به هیچ‌وجه به معنای انکار خاستگاه انتزاعی این مفهوم نیست که ریشه در «شرایط وجودی و عدمی خاص دارد»؛ یعنی همان استعداد شناخت اخلاقی (توانایی تشخیص ارزش‌های اخلاقی) و استعداد گرایش اخلاقی (میل فطری به تحقق کمالات) و نبود موانع آنها. به بیان دقیق‌تر، اگرچه وجدان اخلاقی به عنوان یک موجودیت عینی مستقل در جهان خارج تحقق نمی‌یابد، اما این مفهوم از تحلیل فلسفی ظرفیت‌های وجودی انسان استنتاج می‌شود: از سویی قوه عقلانی درک مفاهیم اخلاقی، و از سوی دیگر میل نفسانی به کمال که بستر شکل‌گیری این مفهوم انتزاعی را فراهم می‌سازد.

تفسیر دوم برگرفته از برخی آثار در موضوع وجدان‌گرایی و وجدان اخلاقی است (سربخشی، ۱۴۰۰: ۳۷۲ و منتظر و محمدی منفرد، ۱۳۹۵). صاحبان این تفسیر دو دسته می‌شوند.

برخی معتقدند که علامه مصباح یزدی وجدان اخلاقی را همان عقل عملی می‌داند:

... بنابراین از نظر ایشان نمی‌توان عقل عملی و وجدان اخلاقی را دو حقیقت متمایز تلقی کرد (منتظر و محمدی منفرد، ۱۳۹۵).

نقدی که بر ایشان وارد می‌شود این است که نگارنده مقاله مورد نظر، نظر علامه مصباح یزدی را بعد از نظر کانت آورده و خواننده با دیدن عبارت «استاد مصباح نیز وجدان اخلاقی را همان عقل عملی می‌داند» این معنا را دریافت می‌کند که علامه مصباح یزدی همچون کانت قائل به عقل عملی است! در حالی که گذشت که ایشان از اساس منکر عقل عملی کانت هستند و مدرک هست‌ها و نیست‌ها و نیز باید‌ها و نبایدها را تنها یک عقل می‌دانند.

برخی دیگر سخنی از عقل عملی به میان نمی‌آورند؛ اما تنها به این بخش از نظریه علامه مصباح یزدی اشاره می‌کنند که ایشان وجدان اخلاقی را همان عقل می‌داند و دیدگاه علامه مصباح را در مورد

وجدان اخلاقی به‌عنوان استعداد احساسات و گرایش‌های اخلاقی انسان مسکوت می‌گذارند (سربخشی، ۱۴۰۰: ۳۷۲).

به این دسته نیز باید این‌گونه پاسخ داد که اولاً با توجه به آنچه در مورد نظر علامه مصباح یزدی گذشت، مفهوم وجدان اخلاقی حاکی از استعداد است و استعداد نیز مفهومی فلسفی است و نمی‌تواند مابازاء مستقلاً همچون عقل داشته باشد. همان‌طور که گذشت در نظریه ایشان عقل به‌عنوان شرط وجودی انتزاع مفهوم وجدان اخلاقی قابل تبیین است.

ثانیاً نظریه‌ای که وجدان اخلاقی را صرفاً به «عقلانیت شناختی» محدود می‌کند، از درک کامل این مفهوم بازمی‌ماند. این رویکرد - که به اشتباه به علامه مصباح یزدی نسبت داده می‌شود - با غفلت از بُعد گرایشی وجدان اخلاقی، تفسیری ناقص ارائه می‌دهد.

تمرکز انحصاری بر جنبه‌های عقلانی (مانند تشخیص مفاهیم اخلاقی)، گرایش به خیر و دوری از شر را نادیده می‌گیرد؛ در حالی که به تصریح علامه مصباح یزدی (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۲۰۴)، بخشی اساسی از مفهوم وجدان اخلاقی، استعداد گرایش به خیر و دوری از شر است و اگر وجدان اخلاقی را تنها همان عقل بدانیم دیگر نمی‌توان استناد مفهوم وجدان اخلاقی به احساسات و انفعالات اخلاقی را توجیه کرد؛ چراکه فعالیت‌های گرایشی خارج از فعالیت‌های عقل به شمار می‌آیند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). این تقلیل‌گرایی با حذف عنصر گرایشی وجدان اخلاقی به‌عنوان استعداد، نه تنها از تبیین ماهیت چندلایه آن ناتوان است، بلکه تفسیری ناقص از دیدگاه فلسفی علامه مصباح یزدی ارائه می‌دهد که بر پیوند ذاتی شناخت اخلاقی و میل فطری به کمال تأکید دارد.

در این راستا تحلیل رابطه کلی گرایش‌ها و ادراکات انسانی - که در تمام حوزه‌های شناختی و گرایشی مشترک است - نمی‌تواند ویژگی منحصر به فرد وجدان اخلاقی را در مورد استعداد میل به خیر اخلاقی و دوری از شر اخلاقی را تبیین کند. چراکه جنبه گرایشی وجدان اخلاقی برخاسته از خود مفهوم وجدان اخلاقی است؛ نه اینکه وجدان اخلاقی تنها دلالت بر ادراکات اخلاقی داشته باشد و جنبه گرایشی آن خارج از مفهوم آن باشد و ما برای توضیح جنبه گرایشی آن، تنها ابتناء آنها بر ادراکات اخلاقی را مطرح کنیم.<sup>۱</sup>

## نتیجه

این پژوهش با بررسی سه‌گانه مفهوم‌شناسی، هستی‌شناسی و نقد خوانش‌های نادرست از نظریه علامه

۱. برخلاف آنچه دسته اول در تحلیل نظریه علامه مصباح یزدی انجام داده‌اند (منتظر و محمدی منفرد، ۱۳۹۵).

مصباح یزدی درباره وجدان اخلاقی، به نتایجی دست یافته است. در حیطه مفهوم‌شناسی، وجدان اخلاقی نه به‌مثابه قوه‌ای مستقل، بلکه به‌عنوان مفهومی فلسفی تحلیل می‌شود که از تعامل پویای نظام‌های عقلانی و عاطفی انسان انتزاع می‌گردد. این مفهوم دو وجه بنیادین دارد: از سویی استعدادی شناختی برای درک خیر و شر حقیقی و مرتبط با کمال نهایی انسان است و از سوی دیگر گرایشی فطری به تحقق این خیرات اخلاقی.

تحقق این استعداد منوط به دو دسته شرایط است؛ شرایط وجودی شامل برخورداری از عقلانیت، میل فطری به کمال، و شرایط عدمی که ناظر بر نبود موانعی چون غفلت، هواپرستی و تعصبات کور می‌باشد. در سطح هستی‌شناسی، پژوهش نشان می‌دهد وجدان اخلاقی نه یک موجودیت عینی مستقل، بلکه ظرفیتی انتزاعی است که از نسبت‌سنجی میان سه عنصر کلیدی شکل می‌گیرد: نظام عقلانی به‌عنوان دستگاه ادراکی، نظام عواطف در نقش محرک‌های عمل، و نبود موانعی برای شناخت و گرایش صحیح به خیر و شر حقیقی. بنابراین، وجدان اخلاقی به‌عنوان قوه‌ای مستقل در انسان وجود ندارد، اما به معنای یک استعداد در انسان موجود است.

این تحلیل حاکی از آن است که وجدان اخلاقی وابسته به تعامل پویای عناصر نفسانی است، به‌گونه‌ای که هم قابلیت هدایت به سوی کمال حقیقی را داراست و هم امکان انحراف از مسیر اخلاقی در آن نهفته است.

بررسی رابطه این استعداد با عقل و امیال نفسانی آشکار می‌سازد که شناخت‌های عقلانی و گرایشات برآمده از آنها در قالب «هست‌ها» و «بایدها»، لوازم تحقق این ظرفیت محسوب می‌شوند.

در نهایت، پژوهش با نقد دو خوانش رایج از نظریه علامه مصباح - یعنی تفسیر کانتی مبتنی بر خودبنیادی عقل عملی و خوانش تقلیلی مساوق‌انگارانه با عقل نظری - به این نتیجه رسید که نظریه ایشان وجدان اخلاقی را «استعدادی هدایت‌پذیر» می‌داند که نیازمند پرورش عقلانی و جهت‌دهی عواطف بر اساس معیارهای وحیانی است. این تبیین از وجدان، آن را نه نهادی خودمختار، بلکه ظرفیتی در سلسله‌مراتب نظام نفسانی معرفی می‌کند که تحقق کاملش مستلزم هماهنگی عقل، عاطفه و اراده در چهارچوب جهان‌بینی توحیدی است.

## منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. تحقیق و تصحیح جمال الدین میردامادی. بیروت: دارالفکر.

- جعفری، محمد تقی (۱۳۵۸). *شرح و تفسیر نهج البلاغه*. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی (۱۳۸۷). *دین‌شناسی*. قم: اسراء.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *مهر تابان*. مشهد: انتشارات علامه طباطبایی.
- حقانی زنجانی، حسین (۱۳۷۶). نظریه کانت درباره وجدان اخلاقی و نقد آن. *مکتب اسلام*. ۴ (۲). ۵۳-۴۷.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۶۰). *امیل یا آموزش و پرورش*. ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده. تهران: نشر چهره.
- سربخشی، محمد (۱۴۰۰). *فلسفه اخلاق*. تهران: نشر تراث.
- صانعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۹۴). *جایگاه انسان از نگاه کانت*. تهران: ققنوس.
- کانت، امانوئل (۱۳۹۳). *فلسفه فضیلت*. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). *در پرتو آذرخش*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰). *سجاده‌های سلوک*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). *آموزش فلسفه*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). *معارف قرآن: خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲). *اخلاق در قرآن*. تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲). *بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج البلاغه*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲). *پندهای امام صادق علیه السلام به رهجویان صادق*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۳). *انسان‌شناسی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۳). *چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴). *پند جاوید*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴). *پندهای الهی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

تبيين وجدان اخلاقی در آرای علامه مصباح یزدی □ ۱۴۳

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *فلسفه اخلاق*. تحقیق و نگارش: احمد حسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). *خودشناسی برای خودسازی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). *نظریه سیاسی اسلام*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *انسان‌سازی در قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مقداد یالجن محمد علی (۱۳۹۷). *تربیت اخلاقی در اسلام*. ترجمه بهروز رفیعی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- منتظر، فاطمه و بهروز محمدی منفرد (۱۳۹۵). «مفهوم‌شناسی وجدان اخلاقی و گستره تأثیرگذاری آن در نظم عمومی». *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق*. ۷ (۲). ۱۰۶ - ۸۷.
- الوطیل، توقیق (۱۹۶۷ م). *الفلسفه الخلقیه*. قاهره: دار النهضه العربیه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی